



بهمراه
ضمیمه
اقتصادی

بررسی
اقتصاد
چین

ونزوئلا، زخمی ولی ایستاده!

صفحه ۴



لایه‌های
لایحه
بودجه

صفحه ۵

مشروعیت
دوگانه سوز

صفحه ۸

حافظه تاریخیمان
ضعیف است؛
اما نه تا این حد!

صفحه ۶

حق
های
ناگفته

۱
صفحه

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست

- ۱..... سخن آغازین
- ۲..... حق های ناگفته
- ۳..... کسب و کارهای کوچک، چین را بزرگ کرد!
- ۴..... پرونده سیاست خارجی: ونزوئلا، زخمی ولی ایستاده!
- ۵..... لایه های لایحه بودجه ۹۸.....
- ۶..... حافظه تاریخی ما ضعیف است؛ اما نه تا این حد!
- ۸..... پرونده مردم سالاری دینی: مشروعیت دوگانه سوز
- ۹..... پرونده ویژه : FATF.....

اسفندماه ۱۳۹۷

ناد - نشریه انجمن اسلامی دانشجویان

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر (عضو دفتر تحکیم وحدت)

مدیرمسئول و سردبیر : سید حمیدرضا مجتبوی

هیئت تحریریه : مریم آخوندی | فرناز اینانلو | پریناز ابراهیمیان | نفیسه عینی | سید حمیدرضا مجتبوی | علی بزرگخو
| مهدی جلیلی

طراح جلد: سید حمیدرضا مجتبوی

صفحه آرا: واحد تبلیغات انجمن اسلامی دانشجویان



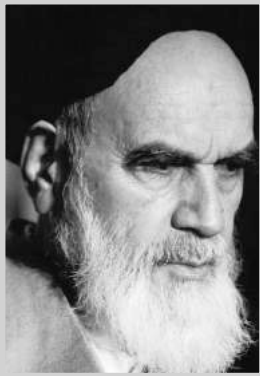
@AnjomanEslami_AUT



www.anjomaneslami.aut.ac.ir



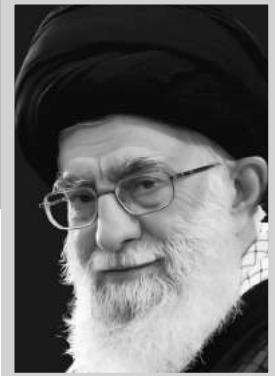
@Anjoman_Eslami_Amirkabir



کوشش کنید که راه برای خدا باشد، چشمتان را از مخلوق، از ما سواى خدا ببندید. توجه تان به این نباشد که اگر خدمتی برای خدا می کنید، دیگران پیش شما بیایند تواضع کنند. امام خمینی (ره)



نشریه انجمن اسلامی دانشجویان



واقعاً بدون توجهات معنوی نمیشود؛ اگر چنانچه آدم بخواهد ارتباط قلبی خودش را، ارتباط معنوی خودش را با خدا حفظ نکند و مراقبت نکند از آن، کار پیش نمیرود. مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

◀ سخن آغازین ▶

علی بزرگخو

می شد. دیگر به راحتی نمی توانستند جای جلاد و شهید را عوض کنند. در ادامه در مقاله «کسب و کارهای کوچک، چین را بزرگ کرد!» به بررسی عوامل رشد چین به عنوان بزرگترین تولیدکننده دنیا می پردازیم. در «ونزوئلا، زخمی ولی ایستاده!» ونزوئلا و مصاعبش را با بیانی متفاوت دنبال می کنیم. بار محتوایی را با «لایه های لایحه بودجه ۹۸» بالا می بریم. برای آن که بهتر جریان حاکم بر بودجه و منابع کشور را بشناسیم به سراغ جریانشناسی انتخاباتی ۹۸ در غالب «حافظه تاریخی ما ضعیف است، اما نه تا این حد!» می رویم. و در آخر با سبکی گفتمانی در حوزه مردم سالاری دینی به بررسی مشروعیت نظام اسلامی در غالب «مشروعیت دوگانه سوز» می پردازیم. شاید مقالات عادی به پایان رسیده باشد اما این پایان ماجرا نیست و در بخش «پرونده ویژه» به بررسی موضوع جنجالی FATF خواهیم پرداخت.

مهمترین آن ها است. به گفته رهبر معظم انقلاب اقتصاد به تنهایی فاقد اصالت است و نباید برای آن جنگید، اما از آن جایی که مهم ترین ابزار برای رسیدن به آرمان های بزرگمان است، باید آن را به خوبی حفظ کرد.

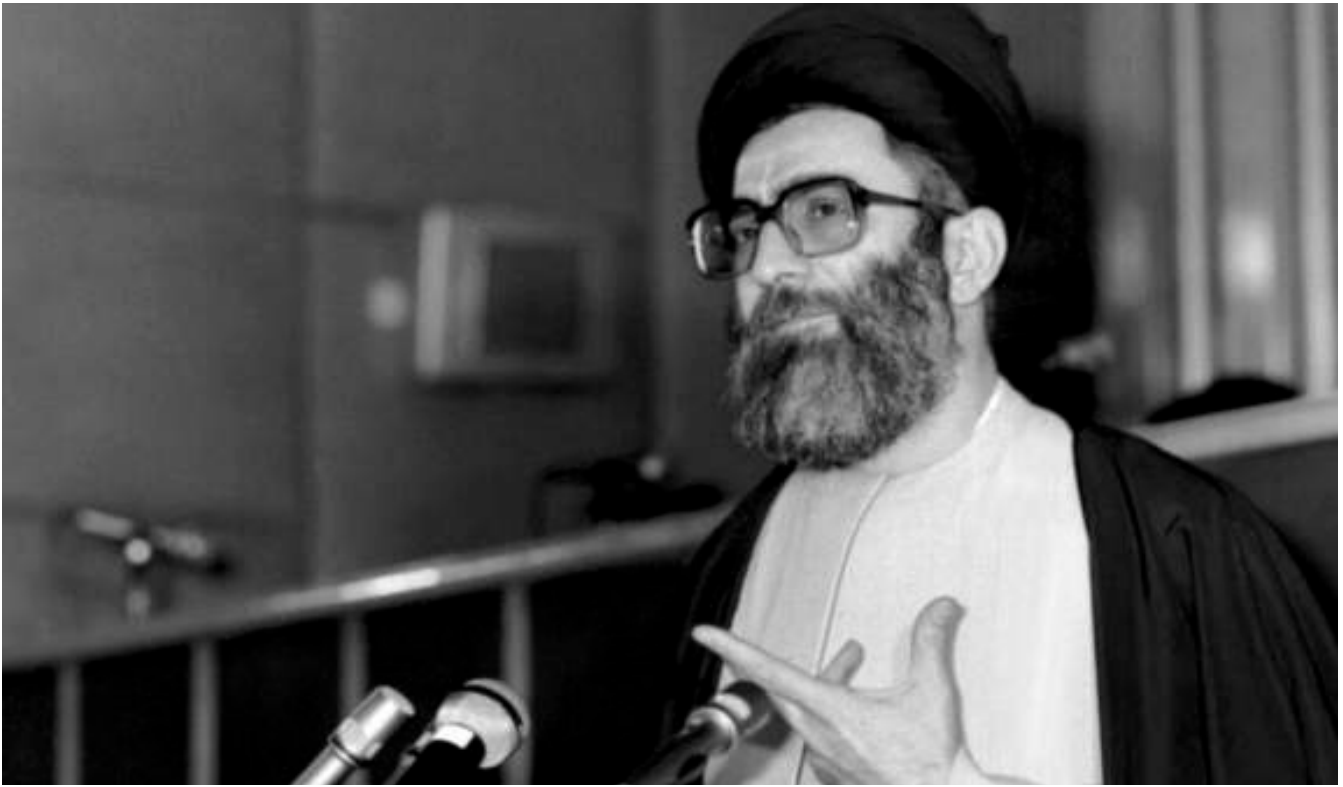
اما درخت تنومند انقلاب برای آن که محصول بدهد فقط نیازمند ابزار مناسب برای رشد نیست، بلکه ممکن است در این راه آفاتی جلوی رشد درخت را بگیرند که ناچاراً باید از سم آفت استفاده کرد. آری نفوذ و ابزار «فشار از پایین، چانه زنی از بالا» همان راهی است که دشمن در این سال ها انتخاب کرده است که باید برای رشد استقامت و تنومندی جلوی انفعال ایستاد و نگذاشت عده ای اندک انقلاب اسلامی را که حاصل دسترنج ملتی بزرگ است را زیر سوال ببرند.

ابتدای این نشریه در مقاله «حق های ناگفته» به بیان یک «باید» می پردازیم. بایدی که اگر حتی بخشی از آن اجرا

ابتدال خطری همیشگی است. خطری که همواره هر ایدئولوژی، طرز فکر و یا حتی رویکردی را تهدید می کند. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. بیانیه ای که جایگاه جمهوری اسلامی را در چهل سال دوم زندگی اش در یک برابند بزرگ جهانی ترسیم می کند.

اصلی ترین عامل ابتدال، تکرار بدون فهم است که از قضا بزرگترین دشمن هر ساختار و یا حتی باور نیز هست. اگر بخواهیم بدون کلیشه، بدون هیاهو و بدون پرت کردن حواس مخاطب و به قصد تبیین - و نه به ابتدال کشاندن آن ها - مواضع انقلاب اسلامی بیان کنیم، باید چالش های عظیم و جهانی آن را بیان کرده و به دنبال راهکار بگردیم.

فرایند چهل سال دوم انقلاب اسلامی در حال شروع شده است که وارد عرصه جهانی گشته است. در این مسیر نیاز به ابزارهای گوناگون داریم. اقتصاد



◀ حق های ناگفته ▶

فرناز اینانلو

را برای نسلی که نه رنگ دیوارهای سیاه زندان ساواک را دیده اند و نه خاک شلمچه و هویزه را با خون دوستانشان لمس کرده اند و جوانانی هستند از نسل سوم و چهارم این انقلاب. تاریخ به خوبی به ما نشان داده است که تکرار می شود و کسی در این میان برنده است که بتواند از آن درس بگیرد و این واجب در شرایط کنونی کشور ما به طور جدی احساس می شود که بتوانیم اتفاقات مهم و بحث برانگیز رخ داده در تاریخ را با ارائه مستندات و آنطور که واقعا بوده است، قبل از تحریف و شکل گرفتن به شکل نادرست در ذهن مخاطب، تبیین کنیم؛ حوادثی نظیر: قتل های زنجیره ای، جاسوسان تیم مذاکره کننده و... تا مردم نیز بتوانند با اطلاعات بیشتری در مسائل فکر کنند و تصمیم درست تری را بگیرند. این انتظار از مسئولان ذی ربط می رود که منابع و اطلاعات موجود را هرچه سریع تر در قالب های مختلف فیلم، مستند، کتاب و... برای عموم به تصویر بکشند تا ان شاء الله بتوانیم گامی در جهت افزایش بصیرت و آگاهی عموم مردم برداریم و کمک کنیم به رسیدن به آن هدف والایی که برای آن انقلاب کرده ایم و چهل سال نخستش را با سرافرازی گذرانده ایم!

باشیم که آگاهانه تصمیم بگیرند و از شکست ها درس بگیرند که آنان را در جریان جزئیات مسئله قرار دهیم. این حق مردم است که بدانند روند به ثمر رسیدن یک اتفاق چه بوده است (مسائل امنیتی و مواردی که ذکر شدن آنها سوء استفاده دشمنان انقلاب را در پی دارد مدنظر ما نیست). اصولا وقتی یک مسئله به صورت کلی و صرف بیان عنوان و نتیجه نهایی اش گفته می شود، دست دشمنان نظام را برای تحریف و برداشت سوء از ماجرا، و تفسیر به نفع خود باز می گذارد و برای نسلی که آن را به چشم خود ندیده است، به عنوان اولین تعریف در ذهنشان حک می شود و اگر نتوانیم حقیقت را آنطور که هست عنوان کنیم، تاریخی به تحریف کشانده می شود و تصمیماتی از روی ناآگاهی و تخیلات ذهنی عده ای گرفته می شود.

می توان گفت از جمله اقدامات مثبت و تاثیرگذار رسانه ملی پخش مستند "روایت رهبری" در سه قسمت در قاب صداوسیما بود. مستندی که روایت می کرد، چطور و در طی چه اقداماتی و چه عوامل و مسائلی، امام خامنه ای در سال ۱۳۶۸ به عنوان دومین رهبر انقلاب اسلامی ایران انتخاب شدند. اقدامی که تصویر کرد تاریخ روزهای انقلاب

در جمهوری اسلامی ایران، اسلام و مردم دو رکن اصلی و اساسی هستند که بی آن حکومت معنایی پیدا نمی کند.

دین اسلام که به عنوان دین رسمی کشور در قانون اساسی ذکر شده است و اکثریت مردم آن را پذیرفته اند اولین رکن است، که چهارچوب کلی در هر زمینه ای توسط آن مشخص می شود.

و مردم نیز به عنوان رکن بعدی معرفی می شوند. مردمی که تصمیم می گیرند و انتخاب می کنند و انتخابشان سرنوشت و مسیر کشور را تعیین می کند.

اما نکته قابل توجه این است که اساسا زمانی ما می توانیم بگوییم یک انتخاب موثر، کارآمد و ثمربخش است که با آگاهی و درنظر گرفتن شرایط مختلف در آن زمینه گرفته شده باشد.

امروز ما در نقطه ای از زمان ایستاده ایم که چهل سال از انقلاب اسلامی ۵۷ ایران می گذرد. در این سال ها اتفاقات تلخ و شیرین بسیاری برای انقلابمان افتاده است. لحظه های شیرینی که یادآوری خاطره شان لبخند بر لب مردم می نشاند و گاهی هم اتفاق ها تلخ است و باید آنان را درس عبرتی قرار دهیم برای خود و آینده کشورمان..

ما زمانی می توانیم از مردم انتظار داشته

به این ترتیب فصل جدیدی با نام اصلاحات اقتصادی در اقتصاد چین به وجود آمد و اقداماتی چون فراهم کردن مشوق های قیمتی مالکیتی برای کشاورزان، تشویق شهروندان به ایجاد کسب و کار، تسهیل قوانین سرمایه گذاری خارجی، ایجاد مناطق ویژه و مناطق آزاد اقتصادی و «تمرکززدایی» از طریق

مریم آخوندی

◀ ونزوئلا، زخمی ولی ایستاده! ▶



با وقوع انقلاب بولیواری در سال ۱۹۹۹ در کشور ونزوئلا و روی کار آمدن هوگو چاوز، چرخش بزرگی در سیاست های کلان این کشور به وقوع پیوست.

انقلابی که با نگاه سوسیالیستی و با اهدافی چون ایجاد دموکراسی مردمی، استقلال اقتصادی، توزیع عادلانه درآمدها و پایان دادن به فساد سیاسی علیه نظام لیبرالی موجود، توسط فقرایی که به گفته منابع رسمی ۵۰ درصد آن کشور را تشکیل می دادند شکل گرفت.

چاوز توانست اوضاع اقتصادی کشورش را بهبود نسبی دهد، سطح زندگی فقرای جامعه را به متوسط رساند، تورم چند ده درصدی کشورش را مهار کند و با کشورهای مستقل ارتباط مناسب برقرار سازد. تا قبل از ریاست جمهوری چاوز در ونزوئلا نزدیک به ۷۰ درصد درآمدهای نفتی به جیب شرکت های چند ملیتی می رفت و تنها سایه ای از صنعت ملی برای این کشور باقی مانده بود اما چاوز با خلع ید برخی از شرکت های نفتی سهم دولت ونزوئلا از درآمدهای نفتی را به ۷۰ درصد افزایش داد و مردم این کشور در سایه بالا رفتن قیمت نفت بالاترین سطح افزایش درآمدها را تجربه کردند. اما تنها بعد از سه سال از روی کار آمدن این رژیم یعنی در سال ۲۰۰۲، آمریکا به دلیل سیاست های ضد امپریالیستی دولت جدید ونزوئلا و کوتاه شدن دستش از دخالت و بهره وری های استعمار گونه از نفت خیزترین کشور جهان، دست به کودتای بزرگی در این کشور زد؛ کودتایی که با ورود شهروندان ونزوئلایی حامی چاوز شکست خورد. نگرانی آمریکا از گسترش تفکر ضد آمریکایی در آمریکای لاتین آنها را به تصویب قانونی در این رابطه واداشت. آنها که منشأ این تفکر را سیاست های ضد استکباری جمهوری اسلامی ایران می دانستند؛ در سال ۹۱ قانون مقابله با نفوذ ایران در نیمکره غربی را طراحی و تصویب کردند.

این سیاست های مداخله جویانه ی آمریکا و اعمال تحریم های ظالمانه علیه مردم ونزوئلا و بلوکه کردن اموال شان، در کنار مشکلاتی همچون کاهش قیمت نفت و سوء مدیریت دولت مردان این کشور در پی این اتفاق، مجدد ونزوئلا را به سمت بحرانی شدن وضعیت اقتصادی اش سوق داد. به طوری که ارزش ارز در بازار سیاه بالا رفت،

آمریکا عجین شده است.

اما مسئله قابل توجه در این بین ذوق زدگی برخی از غرب زده های ایرانی است که وقوع کودتا در ونزوئلا را به سان مزده ای در روزنامه های شان تیتیر می زنند.^۱

انها با این عملکردشان، علاوه بر اینکه دروغین بودن ژست دموکراسی و آزادی خواهی خود را اثبات می کنند بر منافع کشور خودمان هم چشم بسته اند. به گفته برخی از اقتصاددان ها، آمریکا برای حفظ ثبات بازار بعد از اعمال کامل تحریم های نفتی ایران، به نفت ونزوئلا احتیاج دارد؛ لذا به دنبال برقراری حکومتی تحت سلطه خود در این کشور است، و در حال حاضر گوایدو مطلوب ترین گزینه است. در واقع به گفته برخی، ونزوئلا قربانی تحریم های ایران در دستان آمریکا می باشد.

با وجود همه این موارد این پادوهای ترامپ در ایران، وقوع کودتای آمریکایی علیه خواست مردم و دولت قانونی ونزوئلا - کشور همیشه حامی ایران در سازمان ملل - را اتفاقی مساعد علیه دیکتاتوری و جنبشی برای آزادی (!) می دانند و مثل همیشه آمریکا شیفتگی شان چشمانشان را بر حقیقت بسته است.

انتخاب و استقلال حقیقی برای همه ملت هاست؛ حقی که احترام به آن از جانب مدعیان دموکراسی و آزادی بیش از همه مورد انتظار است.

به امید بالفعل شدن این حق برای تمامی ملت های مظلوم جهان...

ارزش محصولات وارداتی که بخش عمده ای از محصولات مصرفی مردم ونزوئلا را تشکیل می داد به سرعت رشد کرد و قفسه مغازه ها از کالاهای مصرفی خالی شد. دولت ونزوئلا برای جبران کسری بودجه ناشی از کاهش قیمت نفت از سیاست چاپ اسکناس استفاده کرد. این تصمیم ناگهان به یک انفجار تورمی منجر شد.

با وجود همه این مشکلات بسیاری از مردم ونزوئلا هنوز هم به آرمان هایی که به خاطرش دست انقلاب زده بودند معتقدند و نمی خواهند مجدداً به دوران فرمانروایی واشنگتن در ونزوئلا برگردند؛ رای آوردن فرد مورد تایید و هم تفکر چاوز یعنی مادورو با بیش از ۶۰ درصد آرا در انتخابات ریاست جمهوری در این کشور دلیلی بر این مدعاست.

انتخابی که به مذاق استعمارگران آمریکایی خوش نیامد و به رسم عادت شان دموکراسی که نتیجه ای برخلاف میلشان داده بود را نقض کردند. رقیب بازنده مادورو در انتخابات، گوایدو، ادعای تقلب در انتخابات کرده و مردم این کشور را به شورش فرا خواند. آمریکایی ها که او را فردی تحت تسلط خود می دیدند از وی حمایت کرده و دولت خودخوانده او را به رسمیت شناختند؛ چیزی خلاف رای و خواسته ی مردم ونزوئلا. این سیاست دیکتاتوری و کودتامنشی آمریکا در به رسمیت شناختن یک اپوزوسیون شورشی در مقابل دولتی که با رای مردم روی کار آمده، برای به استعمار کشاندن کشور ها، اتفاق جدیدی نیست و با ماهیت وجودی

۱. روزنامه سازندگی، ارگان رسمی حزب کارگزاران، در مقاله ای با تیتیر "یک ملت، دو دولت"، روزنامه قانون در مقاله ای با عنوان "جنبشی برای آزادی"، کانال تلگرامی جبهه ی اصلاح طلبان با "خیزش قهرمانانه ی مردم" خواندن کودتا علیه رئیس جمهور قانونی، در تلاش برای رسمیت دادن به دولت خود خوانده ی گوایدو هستند.

◀ لایه های لایحه بودجه ۹۸ ▶

پریناز ابراهیمیان



با توجه به بحران های شدید و وضعیت پریشان اقتصاد کشور، اهمیت بررسی این بودجه افزایش می یابد و عملکرد دولت در رابطه با تحریم های آمریکا و وضعیت معیشتی مردم قابل توجه است.

دولت در بودجه ۹۸، تصمیم به افزایش میزان فروش نفت گرفته است؛ اما بدلیل افزایش تحریم های آمریکا، دولت تصمیم دارد هربشکه نفت را ۵۰ دلار - که به تقریب سی دلار ارزان تر از قیمت جهانی نفت است - به کشورهای معاف از تحریم نفتی آمریکا بفروشد و ترغیب به خرید از نفت ایران افزایش یابد. اما در صورت عدم پرداخت پول توسط خریداران نفت چه باید کرد؟ دولت در پاسخ میگوید که به جای پول دریافتی از خریدان ریال چاپ خواهد کرد و این در بلند مدت باعث ایجاد تورم هایی که نظیر آن را در کشور ونزوئلا شاهد هستیم، میشود.

دولت دوازدهم در ابتدا تصمیم داشت در سال ۹۸ حقوق کارمندان را بیست درصد افزایش دهد اما ایا افزایش بیست درصدی حقوق برای تمام کارمندان عادلانه بود؟ آیا باید یک کارمند با درآمد یک میلیون دویست هزار تومان فقط بیست درصد به حقوقش افزوده شود (حدود دویست هزار تومان) و رئیس بنیاد مستضعفان با نوزده میلیون حقوق هم این درصد شامل حالش شود (نزدیک به پنج میلیون تومان)؟! هرچند که مجلس شورای اسلامی صورت مسئله را به کلی پاک کرده و مقدار ثابتی برای همه ی حقوق ها در نظر گرفت، بهتر به نظر میرسد که افزایش حقوق ها با ضربی معکوس با میزان درآمد فرد متناسب باشد، هرچه حقوق کمتر، افزایش حقوق بیشتر.

و اما برنامه ی دیگر دولت منتخب در بودجه ۹۸، افزایش مالیات ها است اما با توجه به این که وضعیت درامدی مردم و تولیدی ها در سال گذشته بخاطر تحریم و وضعیت اقتصاد و گرانی کالاها نابسامان شده است، افزایش مالیات باز هم فشار را برای مردم بیشتر خواهد کرد. باتوجه به شرایط نابسامان

چون طرح های عمرانی یا افزایش حقوق کارمندان مصرف کنیم.

ارز ۴۲۰۰ برای کالا های مورد نیاز مردم در سال ۹۸ از تصمیمات دیگر دولت هست که امیدواریم که مانند حوادثی که امسال افتاد باز هم ماجراهای رانت به پسر و برادر و فامیل تکرار نشود. در صورتی که تمهیداتی برای شفافیت گیرندگان ارز و کجایی این ارزها اندیشیده نشود، چیزی جز ضرر عایدان نمیشود

از نکات دیگر، میتوان به کاهش بودجه نظامی کشور توجه کرد. باتوجه به این که هر روز در منطقه جنگی جدید و ناآرامی ها پدید میاید؛ چرا باید بودجه کشور کاهش یابد؟! البته بودجه سپاه و قرارگاه خاتم الانبیا و بسیج افزایش یافته و میزان بودجه ارتش و وزارت دفاع هست که کاهش پیدا کرده است. شاید دلیل این تصمیم افزایش مسئولیت و قرار دادهای دولت با سپاه در سال گذشته باشد.

در پایان این نکته نباید مغفول بماند که نقد کردن، به معنای نفی کردن نیست و در شرایط سخت اقتصادیمان، بودجه ای کاملاً ایده آل قابلیت ظهور ندارد اما با نقدهایمان و احساس مسئولیتیمان میتوانیم دولت و مجلس را یاری کنیم.

که دلار پا برگردن تولیدی ها دارد، باید مالیات تولیدی ها کاهش یابد نه افزایش، دولت می تواند با ساختارهایی مناسب تر با پیگیری و اجرای قانون برای فرارکنندگان مالیاتی کمبود خود را تامین کند و یا مالیات ثروتمندان و متمکنین را افزایش دهد. البته از دولت مردم بابت معافیت مالیات افراد با حقوق کمتر از دو میلیون و ۷۵۰ هزار تقدیر میکنیم که نقطه ی روشنی در بودجه ۹۸ به نظر می آید.

از نکات مهمی که باید به آن اشاره کنیم افزایش میزان بودجه دولت (۷۴ درصد بودجه کل و سه برابر بودجه عمومی) است آنهم در شرایطی که باید دولت در کاهش هزینه ها و پیاده کردن اقتصاد مقاومتی پیشتاز مردم باشد، جالب است که بدانید نمایندگان همواره از بررسی این بخش از بودجه خودداری میکنند و ما باید به قول مسئولین، مبنی بر پاک دستی و شفافیتشان اعتماد لازم را داشته باشیم

دولت منتخب در سال آینده قرار بر ثابت نگه داشتن قیمت سوخت دارد که برای ثابت نگه داشتن قیمت بنزین مبلغی بالغ بر ۱۸۰ هزار میلیارد سوپسید خواهد داشت اما نکته جالب این است که کل بودجه در نظر گرفته شده برای پروژه های عمرانی ۶۰ هزار میلیارد است، به نظر مناسب میرسد که به جای صرف این بودجه هنگفت که مزیدی بر علت قاچاق سوخت است، آنرا در مواردی

حافظه تاریخی ما ضعیف است، اما نه تا این حد!

سید حمیدرضا مجتنبوی

به تغییر ترکیب قاطبه نفرات زد تا دین خود را به اصلاح طلبان ادا کند. حالا اما، کمتر از دو سال و نیم به پایان دوران شیخ بنفش باقی نمانده. اصلاحات این حرف ها را نمیفهمد. تازه جا خوش کرده و به دنبال باقی ماندن است. هرچند سخت، هرچند دشوار و هرچند پیچیده، اما باید از کسی که خودشان برسر کار آوردند، عبور کنند.

در این میان، امیدهایی برای ایجاد یک پیروزی مجدد (البته احتمالا خفیف تر) در انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ دارند و موانعی نیز، کارشان را سخت میکند. "اولین این موانع؛ خود روحانی است. نه میتوان کتمان کرد که روحانی ناموفق عمل کرده و نه میتوان گفت گزینه ما نبوده. چاره چیست؟ یا آرام آرام هجمه های ساختگی علیه روحانی جلوه دهیم و از آن سمت با رد هجمه ها، او را مظلوم و موفق نشان دهیم که با توجه به واقعیت موجود، باوراندن آن به مردم سخت است. یا باید داستان همیشگی بد و بدتر و نیامدن ریسی و دیوار کشیدن در پیاده رو ها را با رسانه هایمان تقویت کنیم. این خوب است، اما کفایت نمیکند. اینگونه مردم میفهمند که برنامه ای نداشتیم.

مانع دوم چیست؟ برجام. عامل پیروزی و پیراهن عثمان، رنگ باخته و روی دست اصلاح طلبان باقی مانده است. وقتی از مذاکره با (بقول خودمان) کدخدای امریکایی صحبت میکردیم، دیگر نمیتوانیم با تنفس مصنوعی اروپا مردم را راضی کنیم. پس چه

ها داشته باشد که بتوان روی آن مانور داد. بنابراین دست به کار شد؛ گسل های فرهنگی ایجاد شده در انتهای دوران دولت قبل که ماحصل تناقضات ایدئولوژیک جوانفکر و دوستانش بود، این اجازه را به او میداد که به راحتی و با کمترین دردسر کار خود را پیش ببرد بطوری که او حتی نیاز به ارائه کوچکترین برنامه فرهنگی هم نداشت؛ کمترین اشاره به زخم کافی بود. رسانه اصلاح طلبان که در ۹۲ و ۹۴ تمرینات خوبی را پشت سر گذاشته بود، به مرز آمادگی کامل برای انتخابات ۹۶ رسید و در مقابل، رسانه اصول گرایان حرف چندانی برای گفتن نداشت. تجربه بکارگیری رسانه در تغییر دغدغه های اجتماعی و القای خواست های گروهی به خواست اکثریت، کار را دشوار کرد. امید به برجام امریکایی دستاویزی برای قانع کردن مردم به فرصت دادن به روحانی شد؛ و نهایتا در زمانی که همه شرایط محیا بود؛ محمد خاتمی که با سکوت خود و فاصله گرفتن مقطعی محبوبیت خوبی نیز بدست آورده بود، ضربه نهایی سیاسی را وارد کرد. خطابه های قالیباف در مناظره های دقیقه نود صدا و سیما هم، نتوانست کاری بالاتر از کم کردن فاصله انجام دهد تا روحانی مجددا بعنوان هفتمین رییس جمهور ایران برگزیده شود. با حضور مجدد روحانی، اصلاح طلبان فرصت پیدا کردند تا بازسازی قوا کرده و از ظرفیت های کشور استفاده کنند. مطابق با قانده همیشگی کشورمان، که البته با حضور آقای روحانی قوت یافت، رییس جمهور دست

در آخرین روز های ماه گذشته، میزگردی تحت عنوان «چهارراه اصلاح طلبی» با حضور جباریان، علوی تبار و تاج زاده برگزار شد تا درباره مقاله تاج زاده پیرامون انتخابات بحث و گفتگو کنند. تنورسین های اصلاح طلب، در این میزگرد به بحث درمورد شیوه ادامه راه اصلاحات و بازسازی گفتمان اصلاح طلبی برای انتخابات های آتی پرداختند. بهرحال، عمر روحانی و لیست امید به پایان رسیده. روحانی دیگر آن سرباز کارا نیست و اصلاحات نیازمند تعویض بازیکن است؛ حتی اگر عارف همچنان سعی کند خود را وفادار به دولت نشان دهد. به بهانه این رخداد، نگاهی خواهیم داشت به محتمل ترین زمین بازی هایی که اصلاحات برای پروژه عبور از روحانی، تدارک خواهد دید.

اگر بخواهیم به راهبرد آینده اصلاحات برای ادامه راه بپردازیم، ابتدا باید به گذشته نگاه کنیم. باید از خود پرسیم چه شد که اصلاحات خاتمی در قامت اعتدال ظاهر شد و ردای گفتمان امید را بر تن روحانی کرد؟ آیا عارف شایستگی بیشتری از منظر برخی اصلاح طلبان نداشت؟ اصلا تناقضی میان برخی اصلاح طلبان تند رادیکال با روحانی بود یا نه؟ پاسخ های زیادی میتوان به این مساله داد؛ میتوان از نقش پررنگ هاشمی برای پیوند زدن میان اصلاحات و روحانی سخن گفت؛ از الگوگیری اعتدال از دونالد ریگان در مبارزه انتخاباتی با کارتر صحبت کرد و یا به بررسی صحبت های رییس دولت اصلاحات پرداخت که این روز ها سکوت معناداری کرده است. اما موفقیت روحانی در انتخابات، را میتوان از جنبه دیگری هم بررسی کرد. اساسا، تحقق پیروزی در یک انتخابات، به عوامل متعددی وابسته است. یک جریان سیاسی موفق، به همه پایه های سیاسی، رسانه ای، اجتماعی و فرهنگی نیازمند است. روحانی به خوبی میدانست که یا خودش باید این اعتبارات را کسب کند، یا رقیب باید معضل جدی در یکی از این زمینه





کنیم؟ ساده است. اینبار FATF را پیش میکشیم. روکش خوش طعم اینستکس را رویش کشیده و کمی رنگ و لعاب میدهیم تا برای مردم هم جذاب و قابل لمس شود و وقتی رد کردند (که میکنند) میگوییم نگذاشتند کار کنیم. دولت اصلی، دولت در سایه است. با یک کار رسانه ای حساب شده، آنچنان هم سخت نیست نه؟

مانع سوم چیست؟ زنان. عجب. مگر زنان مانع حرکت اصلاحات اند؟ ما که بعنوان سرمایه روی آنان حساب میکردیم! پاسخ: بله، زنانی که میبینند هیچ کدام از وعده هایی که زمان های انتخابات به ایشان داده میشود محقق نميگردد، قطعاً مانع اند. بالاخره متوجه میشوند رئیس جمهور آنان را دستاویز قرار داده تا رای بیاورد و نسبت به اصلاحات بدین میشوند.... باید فکری کرد. راهکار چیست؟ یک نطق پرمطراق وزیر جوان در باره حضور زنان در ورزشگاه و پیش کشیدن مساله سن ازدواج تحت عنوان «کودک همسری» توسط نمایندگان زن در مجلس! چطور؟ خیلی ساده. وقتی دغدغه های اجتماعی را تغییر دادیم، و القا کردیم که این موارد است، آنوقت هدایت این مسیر با خودمان است و خروجی، سبد رای ماست. اصول گراها که عمدتاً چیزی از زنان نمیفهند، پس کار انجام شدنی است. کسی هم نمیپرسد اصلاً شرایط ازدواج الان چطور است که در باره سن آن محدودیت میگذارید. یا نمیگویید سن ازدواج جوانان بدبخت در تهران چند سال است، مساله ما کودک همسری است یا کهنسال همسری! نه، کسی به این حرف ها کاری ندارد. ابتکار کار خودش را خوب بلد است.

خب، تا اینجا مزیت اجتماعی (حوزه زنان و جوانان) و سیاست خارجه را تاحدی بدست آوردیم. دیگر چکار کنیم؟ خب، کاری که برای اقتصاد نمیتوانیم بکنیم. اگر هم بکنیم، بد است. مردم پر توقع میشوند، اصلاً کار کردن برای مردم که به ما نمی آید. پس جایش چکار کنیم؟ در مورد مردم که کاری از دستمان برنمی آید. آنها بهر حال متوجه مشکلات اقتصادی هستند، پس اصلاً چه کاری است جلویشان را بگیریم؟ بگذار هرچه میخواهند

چرخش ایدئولوژیک! میتوانیم (الکی ها، نه راست راستکی!) دست به دامن چپ ها شده و بصورت نمادین آن ها را زنده نشان دهیم. مگر میشود آخر؟؟؟؟ بله، کمی صبر و یک حلقه مطالعاتی ماهی از کتاب سیاه کوچولو تمام چیزهایی است که نیاز داریم. بالاخره بقای ما انقدر ارزش ندارد که زیر لیبرالیسم و راست بودنمان بزنیم؟ بگذار این شرایط بگذرد، بعداً برای گفتمان طولانی مدتمان فکری میکنیم. آری، این ما هستیم که باید برجا بمانیم؛ هرچند تمام مبایمان را بدهیم برود. اصلاً کی مبانی خاصی داشتیم که به آن وفادار بمانیم...؟

اینها تنها بخش کوچکی از برنامه ها و زیر برنامه هایی است که تدارک دیده شده. برنامه هایی که موفقیتشان متکی بر ضعف خودمان است. هنگام انتخاب نام این مقاله، مدت زیادی اندیشیدم. اما در آخر، باز به همان جا رسیدم؛ جایی که تمام معضلات ما از آن سرچشمه میگیرد. ضعف حافظه تاریخی. این بار اما، باید خطاب به دولت محترم و پشتوانه اصلاح طلبی ایشان بگوییم:

آقایان،

حافظه تاریخی ما ضعیف است؛ اما نه تا این حد!

ناسزا بگویند و اعتراض کنند، بهر حال روحانی بد بشود طوری نیست. از طرفی ژست آزادمثنی و دسترسی آزاد به اطلاعات را بوسیله جوان پرومندان حفظ میکنیم و بصورت غیرمستقیم، حتی آنان را به آمدنیوز وصل میکنیم. بله، تعجب نکنید. ما هرکاری بتوانیم برای باقی ماندن میکنیم. دیگر چه؟ برای دانشگاه ها چه برنامه ریزی بکنیم؟ خب. جوان دانشجو که کمی بیدار تر است. اگر در باره روحانی حرف بزنیم، یادش میماند. هنوز هم رژه های تبلیغاتیمان در ذهن بعضی هایشان هست. پس بهتر است فعلاً اصلاً اسم او را نیاوریم. پس چه کنیم؟ خاتمی هم که آخر حرف نمیزد موسوی را علم کنیم؟ ایده کلاسیک خوبی است، میتوانیم یک روز، دو روز دانشگاه را بهم بریزیم. دیگر چه؟

خب. ژستمان را تغییر میدهیم و به سوی بازسازی کادر میرویم. موتور سیاسی را خاموش کرده و استارت ژست همیشگی روشن فکری فرهنگی مان را میزنیم. دغدغه هایمان را صنفی و برخاسته از دل دانشجویان نشان میدهیم. اگر هم کسی گفت شما خود مسبب این وضع بوده اید، میزنیم تو دهنش! همینقدر ساده و راحت. از قبل این فرهنگی بازی ها، چراغ خاموش، تشکیلات سازی میکنیم و منتظر میمانیم تا چه دستور برسد. بالاخره بالا یک تصمیمی میگیرند، خب به ما هم اطلاع میدهند دیگر. در این بین چه ابزار دیگری برای زنده نشان دادن خود داریم؟ اگر فعالیت سیاسی نکنیم که میمیریم.... یک



◀ مشروعیت دوگانه سوز ▶

علی بزرگ‌خو

با ظهور نوع بلوغ‌یافته نظریه ولایت فقیه در دهه ۴۰ شمسی و بیان لزوم ورود عنصر «دین» در ساختار حکومت توسط نظریه‌پردازان این تئوری^۱، این سوال پیش آمد که چرا و به چه دلیلی باید این اتفاق رخ دهد؟ مگر نظام حکومت دینی چه برتری‌ای در مقایسه با سایر نظام‌های حاکم در دنیا دارد؟ اگر واقعا بر دیگر حکومت‌ها ارجح است، پس باید در یک مورد یا مواردی چند، چیزی بیش‌تر و بالاتر و با کیفیت بهتری نسبت به آنان داشته‌باشد. اگر واقعا چنین است، آن برتری منظور چیست و در چه زمینه‌ای رخ می‌دهد؟ قطعاً برای این سوال جواب‌های متعددی وجود دارد، که البته خیلی از آن‌ها هم درست هستند. اما هدف ما در این مقاله یادآوری و شرح یکی از آن موارد در حد بضاعت است.

از مقدمه که بگذریم، باید بدانیم که مشروعیت نظام دینی - به عنوان مهم‌ترین عنصر مردم‌سالاری دینی - از دو وجه برخوردار است. یکی حقی که خداوند بر مردم دارد و دیگری حقی که خود مردم بر خودشان دارا هستند. اگر بار دیگر بخواهیم به مطلب بیان‌شده در ابتدای این مقاله بازگردیم، باید بگوییم که این دقیقاً همان نقطه‌ای است که تمایز^۲ میان حکومت دینی و حکومت سکولار مشخص می‌شود. حکومت سکولار در بهترین حالت خود - یعنی حالتی که حاکمیت تماماً منتخب مردم باشد - فقط و فقط از منظر حق مردم بر خود، دارای مشروعیت است. در حالی که حکومت دینی چیزی به قابلیت‌های دیگر حکومت‌ها اضافه می‌کند، که در این جا حق مشروعیت از منظر حق خداوند بر مردم است.

اگر بخواهیم دقیق‌تر و کاربردی‌تر وارد بحث شویم، باید به نظریات مطرح شده در این باره رجوع کنیم. به طور کلی سه نظریه در رابطه با حق حکومت‌داری مطرح است. ۱. ولایت «ولی فقیه» در راستای ولایت «الله» بر مردم، ۲. ولایت مردم بر خودشان و ۳. ترکیبی از دو بخش

مذکور. در بخش اول، در تعریفی محدود و مختصر از ولی فقیه، «ولی فقیه شخصیتی است که در عصر خودش به لحاظ سیاسی و شرعی نسبت به دیگران اعلم باشد». همان‌طور که خداوند در کتابش ولایت را مختص به «الله»، «رسول» و در نهایت «اولی الامر منکم» می‌کند.^۳ معتقدین محض به این نظریه آراء مردم را در حکومت بی‌تاثیر می‌دانند و اساساً به رای و نظر مردم معتقد نیستند.^۴ اما در بخش دوم، صاحب‌نظران این عرصه مردم را تنها کسانی می‌دانند که بر مردم یعنی خودشان ولایت دارند. طبق این نظریه حکومت تنها منصوبی از طرف ملت است که مردم به سبب اعتمادی که به آن کرده‌اند، روی کار می‌آورندش و حکومت فقط و فقط عامل مردم در صدر اجتماع انسانی است. در واقع تفاوت اساسی بین نظریه اول و دوم، بین مفهوم «ولایت» و «وکالت» است. ولایت در معنای نائب معصوم در صورت عدم حضور خود معصوم که طبق قرآن کریم باید از بین خود مردم باشد. و وکالت در معنای آن که از آنجایی که مردم خودشان بر خودشان ولایت دارند پس نیازی به ولی در صدر جامعه نیست و امت صرفاً خدمت‌گذاری را برای انجام امورشان در این مقام منصوب می‌کنند. هر کدام از بخش‌ها از یکی از دو جنبه مشروعیت حاکمیت محروم هستند. اما در این بین نظریه دیگری مطرح است که در واقع جمع نظریه اول و دوم است. تئوری‌ای که بیان می‌دارد ولی فقیه در عین حال که بر مردم ولایت دارد، خدمت‌گذار و سروسامان‌دهنده اوضاع مردم نیز هست. ولی فقیه در عین حال که باید به لحاظ علمی و سیاسی نسبت به دیگران برتری داشته باشد، باید منتخب مردم نیز باشد. حکومت اسلامی در عین حال که رابط بین «خلق» با «ولایت الله» است، باید مورد تأیید ملت نیز قرار داشته باشد.^۵ اساساً خداوند انسان را پیوسته خلیفه خود در زمین قرار داده‌است به گونه‌ای که با علم به فسادآلود بودن انسان باز هم به فرشتگان

می‌گوید: «چیزی هست که شما نمی‌دانید»^۶ گویی انسان قابلیت و ویژگی در درون خود دارد که فقط او می‌تواند جانشین خداوند در زمین باشد. و با توجه به همیشگی و پایداری سنت‌های الهی این جانشینی تا روز آخر هستی ادامه دارد. شهید صدر^۷ در «بی‌تا» می‌گوید: «حاکمیت انسانی در زمین (دوران وحدت اولیه) به صورت خلافت انسان و استخلاف بوده، در مرحله بعد حاکمیت پیامبران (دوران پراکندگی و اختلاف) مطرح می‌گردد. در حاکمیت پیامبران دو خط خلافت انسان و نظارت به دلیل عصمت آن‌ها یکی می‌شود و مشروعیت جنبه شرعی و الهی محض می‌یابد. مرحله بعدی حاکمیت ائمه اطهار که امتداد حاکمیت پیامبر اسلام می‌باشد و مرحله بعدی در عصر غیبت مجدداً "خلافت انسان" تحقق می‌یابد و افراد انسانی به اداره سرنوشت خود و جامعه می‌پردازد، اما چون یک بعد از این حاکمیت شرع و دین است، ضرورت نظارت و گواهی "مراجع عام" در کنار حاکمیت انسان و همراه آن مطرح می‌گردد و سرانجام مرحله تحقق مجدد حاکمیت امام معصوم (عج) است که در این مرحله در واقع دو خط خلافت و گواهی مجدداً یکی می‌شود.»^۸ پس در دوران غیبت نمی‌توان تمدن نوین اسلامی را بدون وجود عنصر نظارت مردم بر حکومت و مشارکت مردم در حکومت برپا نمود.

مردسالاری دینی نقطه اتصال ذهن‌های مبهم به اعماق مفاهیم است. همان نقطه‌ایست که تکتک سوالات ذهن بشر مدرن دنیا دیده را پاسخ می‌گوید. مشروعیت نظام دینی مردم‌سالار از دو منظر حاکمیت الله و حق انتخاب مردم قابل بررسی است و از همین جهت است که مشروعیتی بالاتر و فراتر از حکومت‌های سکولار معمول در دنیا دارد. همان‌طور که صدر می‌گوید در عصر حاضر^۹ تنها حکومتی باید پرچم به دست بگیرد که از مشروعیت خود مطمئن باشد و این امر تحقق نمی‌یابد مگر با «مردم‌سالاری دینی».

۲ شاید لغت بهتر برای آن لغت «برتری» باشد.

۱ که در صدر آنان امام خمینی (ره) است.

۳ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۵۹

۴ از معتقدین شاخص به این نظریه می‌توان آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله مصباح یزدی را نام برد.

۵ امام خمینی، شهید بهشتی و امام خامنه‌ای مهم‌ترین تئوریسین‌های این بخش هستند.

۶ «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳۰

۷ سید محمدباقر صدر، عالم شهید، ملقب به «شهید خامس» از بزرگترین مبارزان تاریخ عراق در دوران استبداد رژیم بعث است که مدت‌ها رهبری جریان شیعه عراق را در دست داشت. بارها توسط رژیم بعث عراق دستگیر و زندانی شد و سرانجام در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ و خواهرش، بنت‌الهدی صدر، به دستور صدام حسین شهید شدند. وی ارتباط بسیار خوبی با مسئولین جمهوری اسلامی و شخص امام خمینی داشت.

۸ صدر، بی‌تا، ص ۱۶۱-۱۵۷.

۹ که نماینده‌ای از تمام اعصار است.

◀ درباره FATF ▶

مهدی جلیلی



کارگروه اقدام ویژه FATF توصیه‌ای چهل‌گانه است که از سال ۱۹۸۹ میلادی توسط مجموعه G7 تشکیل شده‌است و لوابج پالرمو به عنوان مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی و CFT به عنوان مقابله با حمایت مالی تروریسم، در حقیقت فرزندان FATF هستند. این مجموعه تا امروز سه هدف اصلی داشته است:

۱. مقابله با پول شویی
۲. مقابله با کمک مالی به تروریسم
۳. مقابله با اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی

نکات مهمی در FATF به عنوان مادر این دو سند وجود دارد که پالرمو و CFT از این توصیه‌های چهل‌گانه استخراج شده‌اند. FATF چند موضوع را مورد نظر قرار داده که با کمال تعجب توسط جناب آقای طیب‌نیا وزیر اقتصاد دولت یازدهم امضا شده و توسط عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصویب شده‌است. امروزه اصرار دولت و فشار او بر مجمع تشخیص مصلحت نظام را شاهد هستیم. خوشبختانه شورای نگهبان هوشمندانه و شجاعانه این موضوع را رد کرده است. با مطالعه این لوابج ۲۲ اشکال استخراج شده است که بعضی با شرع مقدس اسلام منافات داشته است. که ما در این جا فقط به چند بند از این لوابج می‌پردازیم.

کارگروه FATF به طور کلی ۳۷ عضو و ۲ بازرس دارد یکی ازین بازرسان یعنی رژیم اسرائیل و دیگری عربستان است. که اسرائیل هم به عضویت این کارگروه درآمده است. انتخاب این بازرسان بی‌ربط به وضعیت کشور ما نیست. در اینجا به بیان اشکالاتی چند درباره کارگروه FATF می‌پردازیم:

۱. ما تا به حال حتی با تصویب برجام با دنیا مبادلات قانونی داشته ایم و یک سازمان یا مرکزی، قانونی را تصویب نکرد. که یا ما آن را می‌پذیرفتیم یا نمی‌پذیرفتیم. اما اشکال FATF این است که باید همه مقرراتش که به پالرمو و CFT مربوط میشود، در مجلس ما به صورت قانون در بیاید و اگر دولت بتواند آن را در مجمع تصویب کند. آن را به مجلس برده و لایحه کند و به تصویب برساند. این اولین بار است که یک مجموعه کشورهای بیگانه مانند آمریکا، انگلستان، فرانسه، اسرائیل و عربستان برای ما قانون وضع میکنند. و درواقع یک دولت بیگانه به ما دستور می‌دهد.

۲. کارگروه FATF و ناظرانش طبق این بند، نیاز ندارند که در خصوص جرائمی که برای ما فرض می‌کنند اسنادی را رو کنند. در همه کنوانسیون‌ها و قراردادهای قبلی، اگر خلاقی از ما سر می‌زد، باید اسناد خودشان را ارائه می‌دادند. اما در این قرارداد می‌توانند از سند استفاده کنند و یا حتی با حدت و گمان جرمی را نسبت دهند و ما موظفیم بر اساس حدت‌های این ۳۷ کشور اقدام انجام دهیم!

۳. هدف آنان حذف قوه قضاییه است. طبق قانون جمهوری اسلامی رئیس یکی از سه

استعماری را بپذیریم و تعهد دهیم، هرگاه لایحه‌ای به این چهل بند اضافه شد، بی‌چون و چرا آن را بپذیریم!

۹. یکی از ابعاد مهم FATF آن است که با پذیرفتن توصیه‌های آن، طرف خارجی رسماً به اقتصاد کشور دست‌اندازی خواهد کرد. یعنی اگر تا پیش از این تحریم می‌کردند، این بار به عنوان یک بازیگر اقتصادی وارد می‌شوند و تصمیم می‌گیرند که در صحنه اقتصادی ایران چه کسی قدرت داشته باشد.

اما ما خطاب به آنانی که می‌خواهند با تهدید و هشدار این قرارداد ننگین را به امضای اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام برسانند و بر ملت شریف ایرا تحمیل کنند، می‌گوییم: ملت ایران زیر بار یوغ استعماری که می‌خواهد جهان را تبدیل به یک دهکده جهانی کند - که همه باید جوری زندگی کنند که کدخدای می‌خواهد - نمی‌رود. انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر (عضو دفتر تحکیم وحدت) رسماً مخالفت خود را با تصویب این لوابج در مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام می‌دارد. امیدواریم که این مجمع همانند اسمش به دنبال مصلحت نظام و مردم باشد نه مصلحت اغیار که دشمن پرستی مرضی واگیرد و کشتنده برای نظام‌ها است.

در آخر توجه شما را به سخنان دکتر عراقچی معاون وزارت امور خارجه جلب می‌کنیم:

• فروردین ۹۴: بابرجام همه تحریم‌ها همه رفع می‌شود و نه تعلیق.

• دی ۹۶: با برجام همه تحریم‌ها از جمله تحریم‌های اصلی بانکی برداشته شد.

• بهمن ۹۶: هدف اصلی مذاکرات رفع تحریم‌ها نبود.

• اسفند ۹۷: برای عبور از تحریم‌ها باید به FATF بپیوندیم.

قوه در ایران مستقیماً توسط ولی فقیه انتخاب می‌شود. نماینده این سازمان یعنی سازمان FATF ممکن است در جایی بخواهد کس را مجرم اعلام کند، یا جایی را پلمپ کند یا دستور قضایی صادر کند یا اموالی را مصادره کند که قوه قضاییه مانع شود. بنابراین در بعضی از بندهای لوابج مرتبط با این سازمان آمده است که اعلام جرم علیه فرد یا سازمانی، بدون نیاز به دستگاه قضا می‌تواند انجام شود.

۴. در جایی دیگر از این لوابج رئیس جمهور همه‌کاره مملکت فرض شده‌است، این در حالی است که در کشور ما هر یک از قوا وظایفی دارند و ارشد بر تمام قوا رهبر انقلاب است. به همین دلیل برای تضعیف نقش رهبری و دیگر قوا، نقش همه را در FATF حذف کرده‌اند.

۵. پیش‌بینی کرده‌اند که اگر ایران بخواهد به گروه‌هایی همچون حزب‌الله لبنان، حشد الشعبی عراق، انصارالله یمن و ... کمک مختصر نظامی کند باید تا مبلغی مثلاً ۱۵۰۰۰ دلار و بیشتر را اعلام کند و موظف است (ایران) همه موارد پولی را به دُول خارجی اعلام نماید.

۶. در ماده ۳۲ آمده‌است: «ناظران این کارگروه می‌توانند از گستره‌ای از اقدامات در کشور ما، برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کنند و این شیوه‌ها از عملیات مخفیانه، شنود تا دسترسی به رایانه‌های مختلف و هر محصول دیگری است.» یعنی خودمان اجازه شنود و جاسوسی را به اسرائیل و عربستان بدهیم و اتفاقاً این اعمال را قانونی هم بکنیم.

۷. در بند ۳۹ که مشهور به استرداد است، اگر ۳۷ کشور سندی را ارائه بکنند و یا حتی حدت بزنند که کسی در دستگاه حکومتی کشور ما به تروریسم کمک می‌کند، ما موظفیم این شخص را تحویل بدهیم. ولو آنکه این شخص یک کارگر ساده باشد یا بالاترین مقام کشوری! هیچ فرقی ندارد.

۸. در ماده ۴۰ آمده‌است که باید این لوابج



**در برخورد قضائی ملاحظه‌ی این و آن را نکنید
و از جوانان صالح و انقلابی و فاضل در مسؤولیتهای قوه استفاده کنید**

بخشی از حکم انتصاب حجت الاسلام والمسلمین ریسی
به ریاست قوه قضاییه توسط مقام معظم رهبری

۱۳۹۷/۱۲/۱۶